

یک مترجم مطرح کرد

برای معرفی ادبیات ایران، مترجم‌ها را به مجامع بین‌المللی بفرستند



یک مترجم ادبی معتقد است از جمله راه‌های معرفی ادبیات ایران به دیگر کشورها حضور مترجم‌ها در مجامع بین‌المللی است. سحر حدیقه، مترجم حوزه‌بزرگ‌سال و کودک‌ونوجوان، در گفت‌وگو با ایبنا درباره علت اینکه ایران سهم چندانی در بازارهای جهانی و سالانه کتاب ندارد، می‌گوید: یکی از دلایل اصلی خود مسئله زبان است. چند درصد از آدم‌های روی کره زمین به زبان فارسی مسلط هستند؟ یا به این زبان برای امرامعاش نیاز دارند؟ اینکه می‌گویید ایران، منظورتان نویسندگان ایرانی است یا نویسندگان فارسی‌زبان؟ آیا فارسی‌زبان‌های کشورهای دیگر با اقبال جهانی روبه‌رو هستند؟ البته که ارتباط با کشورهای دیگر قدم اول است. اینکه ما در قدم اول هم مشکل داریم، مسئله را دوچندان می‌کند. او ادامه می‌دهد: شاید بگوییم آثار نویسندگانی غیرانگلیسی–به‌جز فارسی‌زبان‌ها- داریم که در جهان مطرح هستند و چند درصد از مردم جهان به زبان ایتالیایی یا اسپانیایی و غیره مسلطند؟ و اینجاست که بحث مترجم‌هاپیش کشیده می‌شود. متأسفانه تعداد مترجم‌های زبان فارسی به دیگر زبان‌های دنیا در مقایسه با تعداد مترجم‌های دیگر زبان‌ها به فارسی خیلی ناچیز است. وقتی با مترجم‌های دیگر در این‌باره صحبت می‌کنیم، یکی از مسائلی که مطرح می‌شود سختی ترجمه زبان فارسی است که خوب به نظر من از آنجایی که تمام زبان‌ها پیچیدگی‌های منحصربه‌فرد خود را دارند این حرف‌ها بیشتر بهانه است. از آن‌ها بپرسید و ببینید چند درصدشان تلاش کرده‌اند و نشده؟ یکی از پایه‌های ترجمه، تسلط به زبان اول است. آیا آن‌ها مثلاً از ادوارد فیتزجرالد که خیام را ترجمه کرده، کمتر به زبان فارسی مسلطند؟

مترجم کتاب‌هایی چون «فلورانس نایتینگل» و «میلتون کیبر» و «مرگ یک شاعر» اظهار می‌کند: یکی دیگر از مشکلات روبه‌رو حق چاپ در کشورهای دیگر است که خوب خودتان حدیث مفصل را بخوانید از نگفته‌ها. در ادبیات کودک و نوجوان کمی بهتر از بزرگ‌سال کار می‌شود. دست کم کارهای تصویری راحت‌تر به زبان‌های دیگررفته‌و جای خودشان را پیدا کرده‌اند. یکی از مواردی که باید به آن توجه شود، حضور مترجم‌ها در مجامع بین‌المللی است. چرا هیچ برنامه‌ای طراحی نمی‌شود تا مترجم‌ها چند کشور دیگر را ببینند، نویسندگان و ناشرها را ببینند و هم کلام شوند؟ درست است که دنیای مجازی است و از این جور حرف‌ها اما شما هرگز نمی‌توانید تأثیر دیدار حضوری را نادیده بگیرید. شما وقتی در کارگاه‌های چندروزه باشید و با چند ناشر و آدم جدید آشنا شوید، راحت‌تر می‌توانید کارها را عرضه کنید. گاه دیده‌ام که خلاصه کتاب‌ها را برای ارائه به ناشران خارجی می‌دهند که کار زیاد درستی نیست. ما وقتی می‌خواهیم کاری را از زبان دیگر ترجمه کنیم، کل کار را می‌بینیم، ظرافت‌هایی که آن نویسنده به کار برده، لحن متفاوتش و ریزه کاری‌های دیگر را. در خلاصه‌ها نقش این ظرافت‌ها را می‌توان انتقال داد؟ پس نحوه ارائه در پدیرش کار بسیار مؤثر است. ما شده‌ایم مثل جواهرفروشی که جواهراتش را جایی عرضه نمی‌کنند، ولی انتظار فروش هم دارد. این تعامل با مترجم‌ها و ناشرهای دیگر حتی در به‌روز شدن زبان مترجم‌ها هم بی‌تأثیر نیست.

۳ کارخانه برای تولید کاغذ تحریر فعال شد



رئیس‌سندیکای تولیدکنندگان کاغذومقوااز فعال شدن ۳کارخانه داخلی برای تولید ۷۵هزار تن کاغذ تحریر و پاسخگویی به نیاز

آموزش و پرورش و نشر خبر داد.

ابوالفضل روغنی‌گلپایگانی در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به جلسه روز دوشنبه کارگروه کاغذ با حضور معاون اول رئیس‌جمهور، بیان کرد: این چندمین جلسه ای بود که با حضور تولیدکنندگان و تشکل‌ها و فعالان مرتبط با بازار کاغذ برگزار شد. در این جلسه مصوب شد که کل نیاز آموزش‌وپرورش به کاغذ را تولیدکنندگان داخلی تأمین کنند و شرکت‌های چوب و کاغذ مازندران ودبیای شوشتر و کاغذ پارس برای پاسخگویی به نیاز آموزش‌وپرورش و نشر تولید داشته باشند.

او ادامه داد:مقرر شد ۵۰هزار تن کارخانه مازندران و ۲۵هزار تن به صورت مشترک دببای شوشتر و کاغذ پارس تولید داشته باشند.

۴۵هزار تن نیاز آموزش‌وپرورش است و مابقی نیاز نشر.

زین‌قربار

علیرضا حیدری‌امدرس‌ویراستاری

ناوبراسته

در پی این انفجار که شب گذشته رخ داد چندین منزل مسکونی ویران شدند.
ویراسته

در پی این انفجار که شب گذشته رخ داد، چندین منزل مسکونی ویران شد.
نکته

فعل‌بعداز، چند، و دوچندین، بعداز نهاد جاندار، جمع‌و بعداز نهاد غیرجاندار، مفرد می‌آید.

#زین-قندپارسی

● مشهد ظرفیت دارد اما...

حسین عباس‌زاده، داستان‌نویسی که تجربه برگزاری جشنواره ادبی را دارد و از دست‌اندرکاران چنین فعالیت‌هایی بوده، معتقد است مشهد ظرفیت بالایی برای برگزاری جشنواره‌های ادبی دارد، اما مشکل در نبود تداوم و استمرار آن است. او می‌گوید: مشکل بزرگ تداوم نداشتن است. استمرار وجود ندارد و هر جشنواره بعد از یکی دو بار برگزار شدن تعطیل شده است. دلایلش هم این است که بیشتر جشنواره‌های مشهد نهادی و سازمانی است و این دستگاه‌ها هم یکی دو بار برگزار می‌کنند و با تغییر مدیران و سیاست‌ها آن جشنواره از دایره‌اجرایی خارج می‌شود و دیگر برگزار نمی‌شود. ما در مشهد جشنواره‌های خوبی داشتیم و فضای مشهد هم این ظرفیت را

دارد چون هنر و ادب دوستان زیادی در این شهر داریم. ولی طبیعتاً چون جشنواره‌ها معطوف به جریان‌های دولتی بوده‌اند همه بعد از یکی دو دوره تعطیل شده‌اند، چه جشنواره داستان‌های ایرانی‌که باهم‌زمان اداره ارشاد وقت برپا شد و چه جشنواره ادبی مشهد که شهرداری برگزار کرد. فعلاً فقط جشنواره داستان‌های حماسی که حوزه‌هنری برگزار می‌کنند سه‌دوره‌دوام داشته و دوره چهارم آن هم قرار است برگزار شود. جشنواره‌هایی که مستقل هستند و ربطی به دولت و نهادهای فرهنگی ندارند می‌توانند استمرار داشته باشند اما مسئله این است که چنین جشنواره‌ای هم نداریم چون

نویسنده‌مان، «کوه‌مرگی»، در پاسخ به این پرسش که آیا جشنواره‌های مستقل امکان برگزاری در مشهد دارند، بیان می‌کند: بله، خراسان رضوی و مشهد در ادبیات داستانی از استان‌ها و شهرهای پیشرو در کشور است و تعداد علاقه‌مندان به ادبیات داستانی در مشهد ما کم نیست. مثلاً اگر میزان استقبال مشهدی‌ها از جلساتی را که با دعوت از نویسنده‌ای برگزار می‌شود با دیگر شهرها مقایسه‌کنید می‌بینید جمعیت خوبی به این برنامه‌ها می‌آیند. طبیعتاً شهری که علاقه‌مندو نویسنده زیاد دارد می‌تواند جشنواره‌های ادبی خوبی هم برگزار کند. این فضا برای چنین فعالیتی وجود

شهرآرا بررسی می‌کند: آسیب‌شناسی جشنواره‌های ادبی در مشهد

مستقل‌های ناکام!

خادم

اگر یکی از ملاک‌های ارزیابی موفقیت یک جشنواره ادبی را مستمر بودن آن یعنی همان چیزی بدانیم که در ابتدا و در مرام‌نامه و بیانیه خود اعلام می‌کنند، صفت «ناکام» برآورنده جشنواره‌های ادبی در مشهد است. جشنواره‌هایی که قرار بود استمرار داشته‌باشد و هر سال برگزار شود، سال‌هاست تعطیل شده و احتمالاً جز برگزارکنندگان و داوران و برگزارندگان کسی حتی نامشان را هم به یاد نمی‌آورد. جشنواره داستان‌های ایرانی که چند دوره برگزار شده بود در نیمه دوم دهه هشتاد و زمان دولت احمدی‌نژاد و با تغییر سیاست‌ها و نگاه‌ها تعطیل شد. نمونه دیگر، جایزه ادبی مشهد است که آیین پایانی نخستین دوره آن در سال ۱۴۰۰ برگزار شد و قرار بود مستمر باشد، اما سال‌های بعد، دیگر از برگزاری آن خبری نبود. این اتفاق گویا سرنوشت محتمل جشنواره‌های ادبی در مشهد است. خطه‌ای که سابقه‌اش در ادبیات و قله‌های ادبی آن نیازی به مرور و یادآوری و معرفی ندارد. با حسین عباس‌زاده، نویسنده‌ای که خود دست‌اندرکار برگزاری جشنواره‌هایی هم بوده و سیدسعید موسوی که او نیز تجربه برگزاری جشنواره داستان در مشهد را داشته است، درباره این موضوع گفت‌وگو کرده‌ایم. آن‌ها نیز معتقدند این بی‌سرانجامی واقعیت دارد و از تأثیر مثبت جشنواره‌های داستان می‌گویند اگر برگزار شود و دوام داشته‌باشد. این دو فعال ادبیات داستانی علت استمرار نداشتن جشنواره‌ها را وابسته بودن آن‌ها به سازمان‌ها و نهادهای می‌دانند و راهکار تداوم جشنواره را مستقل بودن آن. و البته می‌گویند امکان برگزاری جشنواره ادبی مستقل در مشهد وجود ندارد.

دارد، اما مشکلاتی هم هست که باید به آن‌ها پرداخت. او در ادامه به این مشکلات اشاره می‌کند: جشنواره‌ای اگر بخواهد مستقل برگزار شود نه تنها از هیچ‌جا حمایت نمی‌شود بلکه سرراش سنگ هم می‌اندازند. یک مشکل بحث گرفتن مجوز است. وقتی شما می‌خواهید جشنواره مستقلی برگزار کنید ارشاد می‌گوید باید مجوز داشته باشید و برای گرفتن مجوز باید مؤسسه فرهنگی یا شرکتی ثبت کنید و زیر نظر ما باشید.

آیا گرفتن مجوز از ارشاد و گرفتن تأیید از این اداره برای سیاست‌ها و موضوع داوران و مهمانان جشنواره با مستقل بودن در تناقض نیست؟ عباس‌زاده می‌گوید هست: بله در تناقضی است و به همین دلیل هم جشنواره مستقلی برگزار نمی‌شود. وقتی ارشاد می‌گوید بیا از ما مجوز بگیر، مهمانت کیست، موضوعت چیست، با چه سیاستی و اصلاً چرا می‌خواهی جشنواره برگزار کنی، طبیعتاً جریان مستقل بدون زیر سؤال می‌رود و خیلی‌ها این کار را انجام نمی‌دهند. می‌شود ختیر فرهنگی پیدا و بودجه را فراهم کرد، ولی مسیر گرفتن مجوز از ارشاد و تأیید گرفتن از آن‌ها که چه‌کسی بیايد و چه کسی نیاید باعث می‌شود کسی به این سمت نرود و این کار را انجام ندهد. طبیعتاً جشنواره برگزار کردن زحمت زیادی دارد و درست است که عده‌ای از نویسندگان با علاقه‌مندان به ادبیات از روی عشق این بار را به دوش می‌کشند، اما وقتی برخی موانع

سر راه هست طبیعتاً خودشان را کنار می‌کشند. اصلاً فضای فرهنگی ما اجازه نمی‌دهد

جریانی مستقل، جشنواره‌ای معتبر و بزرگ برگزار کند که در حد و اندازه نام خراسان باشد. از او درباره تأثیر برگزاری جشنواره و اهمیت آن در ارتقای فضای فرهنگی شهر می‌پرسیم. از شهرستان گجساران مثالی می‌زند و خاطرنشان می‌کند: گجساران با برگزار کردن جشنواره‌ای با همین نام، خودش را در تمام کشور مطرح کرده است. نویسنده‌هایی با این شهر آشنا شده‌اند و به بهانه جشنواره به آن شهر سفر می‌کنند. هر جشنواره‌ای که در سطح کشور برگزار می‌شود چه

در زمینه داستان و چه شعر، می‌بینید که یکی دو نفر از برگزاریدانش خراسانی هستند، این گواه ظرفیتی است که داریم. حالا استان و شهری با چنین ظرفیت و پشتوانه‌ای هیچ جشنواره‌ای ندارد که از طریق آن فضای فرهنگی مشهد را معرفی کنیم. مثلاً شهرداری مشهد با توجه به بودجه و هزینه‌ای که می‌کند، درباره هویت و فرهنگ شهر یک جشنواره ندارد. قبلاً برگزار شده مثلاً به همت فلانی در فلان دوره شورای شهر و یادم هست آثار ارسال‌ی همان جشنواره هم به داوری نرسید و قضیه منتفی شد. اگر جشنواره خوب و مستمری در مشهد داشته باشیم به نوعی هم آبروی این شهر است و هم نویسنده‌های مشهد درگیر این جشنواره می‌شوند و می‌توانند در کشور خودشان را مطرح کنند. از طرفی نویسندگان تازه‌کار هم می‌توانند با افراد سرشناس و باسابقه آشنا شوند. تشکیل همین حلقه‌ها و دوره‌می‌ها با نویسندگان مختلف سراسر کشور خیلی بر فضای فرهنگی و ادبی مشهد تأثیر دارد و برای نویسندگان تازه‌قلم هم خیلی انگیزه‌بخش خواهد بود. در صورتی که الان این طور نیست، فقط مگر به همت یک کتاب‌فروشی نویسنده‌ای دعوت شود، غیر از این هیچ اتفاقی نمی‌افتد!

● جشنواره وابسته است به تفکر افرادی که برمسند کارند

سیدسعید موسوی نیز تجربه برگزاری جشنواره داستان در مشهد را دارد و می‌گوید: پیش از این‌ها جشنواره‌ها در مشهد خیلی پررنگ بودند مثلاً جشنواره‌های موضوعی مختلفی برگزار می‌کردیم، اما در سه چهار سال گذشته این موضوع کمرنگ شده است.

نویسنده کتاب خودزندگینامه‌ای «بشت‌دیوارهای شهر»، درباره چرایی تداوم نداشتن جشنواره‌های ادبی در مشهد بیان می‌کند: همه کارهای ما مناسبتی است و این طور نیست که یک حرکت را استمرار ببخشیم و خروجی آن را ببینیم، یک نفر ایده‌ای می‌دهد و می‌گوید بیا ییید در این زمینه جشنواره‌ای برگزار کنیم و پس از

پایان جشنواره همه چیز تمام می‌شود. یعنی جشنواره‌هایی که با هدف مشخصی شروع کنند و بخواهند برای درآمدت فعالیت کنند، وجود ندارند. علاوه بر این، شما می‌دانید که تغییر و تحولات در انتصاب مسئولان ما زیاد است و هر کدام تفکر و رویکردی دارند. آن زمان که جشنواره داستان‌های ایرانی برگزار می‌شد تمایلی وجود داشت، بودجه‌ای اختصاص می‌دادند، مهمان دعوت می‌کردند، جایزه می‌دادند. با تغییر مدیریت، تفکر جدیدی حاکم شد و آن حرکت ادامه پیدا نکرد، شاید مدیر جدید اصلاً به آن جشنواره اعتقادی نداشت. برای همین بقای این جشنواره‌ها به تفکر افرادی که درمسندکار هستند وابسته است. ممکن است ابتدا قصدشان این باشد که جشنواره استمرار داشته‌باشد، اما همین که مسئولی عوض شد همه چیز به حالت قبل برمی‌گردد. یعنی یک تصمیم ملی نیست که مطمئن باشید این حرکت ادامه پیدا می‌کند. بعضی جشنواره‌ها هم به دلیل مسائل مالی تعطیل می‌شود. می‌گویند ما بودجه نداریم و بعد کار تعطیل می‌شود.

از دید او، برگزاری جشنواره مستقل به دلیل نیاز به بودجه، کار دشواری است، اما در عین حال برگزاری یک جشنواره ادبی به صورت مستمر را اتفاق مبارک و مهمی برای فضای فرهنگی و ادبی شهر می‌داند و می‌گوید: اگر جشنواره هدفمند باشد و استمرار داشته‌باشد در هر حال تأثیر می‌گذارد، جریان فرهنگی شهر تأثیر می‌گذارد، نویسندگان و شاعران جدید را معرفی می‌کند، ارتباطات را حفظ می‌کند، تداوم و استمرارش باعث می‌شود که افراد مدت‌ها با هم ملاقات کنند و حرف بزنند. ولی اگر صرفاً سلیقه‌ای باشد بعد از اهدای جوایز تمام می‌شود و آن استمرار اتفاق نمی‌افتد و آورده‌ای هم نخواهد داشت. بنابراین اگر جشنواره‌ای هدفمند باشد و استمرار داشته‌باشد فضایی ایجاد کند که همه با هم تعامل داشته باشند می‌توانیم به آن امیدوار باشیم، اما اگر در حد چیزی تبلیغاتی و ویترنی باشد اثرگذار نیست.

سیدسعید موسوی:
اگر جشنواره‌ای هدفمند باشد و استمرار داشته باشد و فضایی ایجاد کند که همه با هم تعامل داشته باشند می‌توانیم به آن امیدوار باشیم، اما اگر در حد چیزی تبلیغاتی و ویترنی باشد اثرگذار نیست

بچه‌ها «هرکول» را بیشتر از «رستم» می‌شناسند!

مخاطبان کتاب‌های کودک و نوجوان، کودکان و نوجوانان هستند، اما خانواده‌ها نیز باید این ضرورت را احساس کنند. آن‌ها وقتی می‌بینند فیلم‌های زیادی از اسطوره‌های غربی به‌راحتی در دسترس است به سراغ آن‌ها می‌روند. ناشران و نویسندگان باید به سمت معرفی اسطوره‌های ایرانی و هویتی و سنتی بروند تا مخاطبان را جذب کنند.

این استاد دانشگاه گفت: نوجوان باید برابرانهادهای ایرانی و ملی آشنا باشد تا بتواند احساس کند ما در برابر اسطوره‌های یونان و روم اسطوره‌های جذاب‌تری داریم و همه این کاراکترها در فرهنگ ایران دیده می‌شود.

اسماعیل‌پور در پایان بیان کرد: من موافق نیستم همه داستان‌های شاهنامه را به ادبیات کودک و نوجوان وارد کنیم و همیشه به همکاران می‌گویم برای کودکان زود است که با داستان «رستم و سهراب» روبه‌رو شوند که نتیجه‌اش کشتن فرزند توسط پدر است. کودکان باید به شکل دیگری با اسطوره‌ها آشنا شوند که از آن‌ها احساس غبن نکنند. کودک توانایی درک تراژدی رستم و سهراب را ندارد، بنابراین آشنایی با این بخش در مرحله بعدی قرار دارد. «سیمرغ» و «رخش» (اسب رستم) از اسطوره‌های جذاب برای کودکان است که می‌تواند روحیه بالایی به آن‌ها بدهد و نویسندگان می‌توانند نوشتن از آن‌ها را در اولویت قرار دهند و برای سنین بالاتر به تراژدی‌ها بپردازند.

حالت دارد: داستان نویسان داستان‌های کهن را که درباره اسطوره‌های ملی و حماسی چون «فریدون» و «کیومرث» و «سهراب» داریم یا داستان‌های شخصیت‌ها و اسطوره‌های دینی را که در قالب «قصص الانبیاء» عرضه شده‌اند، به زبان ساده و جذاب بازسازی کنند، البته نه به این معنا که خلاصه کنند، بلکه به‌صورت جذاب در اختیار کودکان قرار بدهند. حالت دوم ارائه آثار در بعد هنری و تصویرگری است. اگر کتاب‌ها بدون تصویر باشد، جذابیته برای بچه‌ها ندارد. در مرحله سوم باید آن‌ها را به‌صورت فیلم و کارتون دربیاروند و مؤسسه‌های هنری و ادبی این وظیفه را بر عهده بگیرند تا اسطوره‌ها را برای بچه‌ها از سنین پایین جذاب‌تر کنند.

او یادآور شد: دکتر مهرداد بهار، اسطوره‌شناس قدر و تحلیلگر آثار فرهیخته، دو سه عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان با موضوع اسطوره نوشته بود. البته برخی از ناشران درباره اسطوره‌های شاهنامه کار کرده‌اند، اما تک‌وتوک کتاب‌های خوبی عرضه کرده، برخی از آن‌ها خیلی عامیانه بوده و جدید لازم را نداشته‌اند، باید ناشران و نویسندگان در این‌باره جدیت داشته باشند. اگر بخواهیم در این‌باره موفقیتی داشته باشیم و ناشران با اسطوره‌های یونان و روم و هند و سرخ‌پوست‌ها رقابت کنند، باید نویسنده‌ها بتوانند در این زمینه‌گسترده‌تر عمل کنند و مخاطبان بسیاری داشته‌باشند. درست است که

برای اینکه اسطوره‌ها برای کودکان و نوجوانان و نسل جوان جذاب‌تر شود، لازم است به‌صورت پایه‌ای و اصولی یعنی بر اساس برنامه میان‌مدت و درازمدت درباره این موضوع کار کنیم و نویسندگان و شاعران و ادیبانمان در این حوزه قدم بگذارند و اسطوره‌ها را معرفی کنند.

اسماعیل‌پور با بیان اینکه هراسانی در این کره‌خاکی باید صاحب هویت باشد، خاطرنشان کرد: آشنایی با اسطوره‌ها، کودکان و نوجوانان را به هویت دیرینه کشور خودشان پیوند می‌زند. اگر آن‌ها هویتشان را نشانند به آسانی جذ هویت‌ها و فرهنگ غرب می‌شوند. الان بچه‌های ما، ژئوس، و «هرکول» و دیگر شخصیت‌های غربی را خیلی بیشتر و راحت‌تر از شخصیت‌های کشورمان می‌شناسند و این موضوع به دلیل این است که در آنجا تبلیغ بیشتری می‌شود، اما زمانی که شما از اسطوره‌های ایران مثلاً «سیاوش» و «رستم» می‌گویید، شاید به آن اندازه آشنایی نداشته‌باشند.

این اسطوره‌شناس معرفی و شناخت اسطوره‌ها را یکی از راه‌های آشنایی نوجوان ایرانی با ادبیات بومی و فرهنگ کهنمان دانست و گفت: معرفی هر اسطوره‌ای چند

ابوالقاسم اسماعیل‌پور معتقد است باتوجه‌به اینکه در معرفی اسطوره‌های ایرانی کم‌کار بوده‌ایم، کودکان و نوجوانان اسطوره‌های غربی چون

«ژئوس» و «هرکول» را بیشتر می‌شناسند. این اسطوره‌شناس و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با ایسنا درباره نوشتن از اسطوره‌ها و معرفی آن‌ها به کودکان و نوجوانان اظهار کرد: در ضرورت نوشتن از اسطوره‌ها شکی نیست، آشنایی با اسطوره‌ها به‌ویژه اسطوره‌های ایرانی و هویتی مملکت خودمان برای کودکان و نوجوانان و جوانان بسیار ضروری است.

اگر کودکان و نوجوانان اسطوره‌های خارجی را بیشتر می‌شناسند به این دلیل است که در حوزه معرفی اسطوره‌های ایرانی کم‌کار بوده‌ایم و از طرف دیگر غربی‌ها کارتون‌ها و فیلم‌ها و کتاب‌های متعددی در این‌باره عرضه کرده‌اند که به آسانی در فضای مجازی در دسترس نوجوانان قرار می‌گیرد.

او افزود: البته آثار مهم و متعددی در عرصه شاهنامه‌شناسی و اسطوره‌های شاهنامه نوشته شده است، اما